

صفت

صفت کلمه ای است که اسم یا جانشین اسم یا گروه اسمی همراه خود را توصیف می کند و یکی از وابسته های اسم به شمار می رود. یا:
واژه یا گروهی از واژه هاست که درباره اسم توضیحی می دهد و یکی از خصوصیات اسم را بیان می کند.

صفت از حیث مفهوم 6 نوع است :

1- صفت بیانی

2 - صفت اشاره ای

3- صفت شمارشی

4 - صفت پرسشی

5 - صفت تعجبی

6 - صفت مبهم

صفت فاعلی :

صفتی است که بر کننده کار دلالت کند. و از حیث ساختمان هفت گونه است.

1- بن مضارع + نده : گیرنده ، خواننده ، راننده ، بیننده

2- بن مضارع +ان : گریان خندان ، شتابان ، روان

3- بن مضارع + ا: دانا ، شنوا ، گویا ، گیرا

4- بن ماضی و بندرت بن مضارع + ار: خریدار ، پرستار

5- بن ماضی یا مضارع +گار : آفریدگار ، آموزگار

6- اسم معنی و بندرت صفت یا بن فعل +گر: دادگر ، سفیدگر

7- اسم معنی و بندرت صفت یا بن فعل +کار : ستمکار، تراشکار

تذکر:

پسوند گر و کار در آخر اسم ذات صفتی می سازد که بر پیشه و حرفه دلالت می کند.

مثل: زرگر، آهنکار آهنگر - مسگر - سیمان کار

صفت فاعلی + پسوند ان گاهی تکرار می شود و قید می سازد:

مثل: دوان دوان لرزان لرزان - پرسیان پرسیان

گاهی ساخت فعل امر نوعی صفت فاعلی می سازد:

مثل: بزنی برو برو، بدو، بگو بخند، بزنی برو، بساز بفروش، دلخواه

بن مضارع + اسم یا کلمه دیگر نوعی صفت فاعلی مرکب می سازد:

مثل: دانشجو درس خوان خدا پرست - دلپذیر - کامبخش - آرام بخش

صفت مفعولی:

صفت مفعولی که آن را اسم مفعول نیز نامیده اند صفتی است که معنی مفعولیت دارد، یعنی کاربر آن واقع می شود.

گرفت + ه = گرفته

شنید + ه = شنیده

خواند + ه = خوانده

نوشت + ه = نوشته

گاهی لفظ «شده» را نیز که خود صفت مفعولی «شدن» است به این ترکیب می افزایند:

شنیده شده، دزدیده شده

تذکر:

۱- اگر به اول صفت مفعولی اسم یا صفتی افزوده شود گاهی «ه» می افتد.

گل اندوده = گل اندود

پشمالوده = پشم آلود

۲- برخی از صفت های مفعولی که از فعلهای لازم و بندرت فعلهای متعدی می آیند معنی صفت فاعلی دارند: رفته، خوابیده، ایستاده

صفت نسبی:

صفتی است که به کسی یا جایی یا جانوری یا چیزی نسبت داده شود و آن بیشتر با افزودن پسوندهای «ی، ین، ینه، های بیان حرکت گان، انه، انی، چی» به آخر اسم یا صفت و به

ندرت ضمیر ساخته می شود:

ین: نمکین، سیمین، ...

ی: محسنی، تهرانی، ...

ینه : پشمینه ، سیمینه ،

گان : گروگان ، رایگان (= راهگان) و ...

انی : روحانی ، جسمانی ،

چی : انزلیچی ، گمرکچی ،

صفت لیاقت: صفتی است که شایستگی و قابلیت موصوف را می رساند و آن با افزودن ی به آخر مصدر ساخته می شود .

خواندن + ی = خواندنی

دیدن + ی = دیدنی

شنیدن + ی = شنیدنی

نوشتن + ی = نوشتنی

آشامیدن + ی = آشامیدنی

خوردن + ی = خوردنی

درجات صفت بیانی

صفت بیانی از حیث درجه (3) گونه است :

1 . صفت مطلق :

خوب - باهوش - بزرگ سعید با هوش است .

2 . صفت برتر (تفضیلی) :

صفت برتر با افزودن «تر» به آخر صفت مطلق پدید می آید :

خوبتر - باهوش تر - بزرگ تر

سعید از حمید باهوشتر است

سعید از حمید ، مجید و وحید باهوشتر است .

3. صفت برترین (عالی): نشانه صفت برترین ، پسوند «ترین» است که به آخر صفت

مطلق افزوده می شود:

خوب ترین - باهوش ترین - بزرگ ترین

اهواز، بزرگ ترین شهرهای خوزستان است .

امین، با هوش ترین شاگرد کلاس است .

صفت اشاره :

صفت اشاره در اصل دو لفظ « این » و « آن » است وقتی که همراه اسمی بیایند و بدان اشاره کنند

:

این : برای اشاره به نزدیک

آن : برای اشاره به دور

این جزوه را آن روز در دانشگاه به ما دادند .

صفت اشاره به صورتهای زیر دیده می شود:

الف- این و آن بدون همراهی با کلماتی دیگر که تنها برای اشاره است. این کتاب

ب- برای اشاره و تاکید که با «هم» ترکیب می شوند : همین، همان

ج- برای اشاره و بیان تشبیه و چگونگی به همراه کلماتی مانند :

چون ، گونه ، سان : چنین ، چنان ، این گونه ، آن جور

د- برای اشاره و تاکید همراه کلماتی مانند : قدر ، مقدار ، همه :

این قدر، همان اندازه ، همین قدر

صفت شمارشی

کلمه ای که شماره یا ترتیب مفهوم یا مصداق اسمی را می رساند صفت شمارشی نامیده می شود .

به صفت شمارشی معمولاً عدد می گویند . صفت شمارشی بر (4) قسم است :

صفت شمارشی ساده، صفت شمارشی ترتیبی، صفت شمارشی کسری، و صفت شمارشی توزیعی .

1. صفت شمارشی ساده :

هرگاه اعداد اصلی قبل از اسم واقع شوند و آن را وصف کنند. صفت شمارشی ساده نامیده می

شوند. اعداد اصلی عبارت است از :

یک، دو ، ... ده، یازده، ... بیست و یک، ... صد، هزار، میلیون، میلیارد ...

2 . صفت شمارشی ترتیبی: که ترتیب قرار گرفتن موصوف (معدود) را می رساند و با افزوده شدن

پسوند «-م» یا «-مین» به صفت شمارشی ساده ساخته می شود : چهارم ، چهارمین . صدم ،

صدمین . هزارم ، هزارمین

بعضی صفت های شمارشی از این قاعده پیروی نمی کنند. مثل: اول، آخر، نخست ، نخستین ،
آخرین

3. صفت شمارشی کسری (عدد کسری) . که یک یا چند جزء از یک یا چند واحد را می رساند:
یک پنجم- شانزده هزارم- دو سوم - نود درصد .

4 . صفت شمارشی توزیعی: که از تکرار صفت شمارشی اصلی به دست می آید: یک یک - یکایک
- یک به یک

صفت پرسشی

صفتی است که با آن از نوع یا چگونگی یا مقدار موصوف پرسش کنند، مانند چه ، کدام ، چگونه ،
چند

صفت پرسشی از نظر مفهوم سه گونه است :

الف- صفت پرسشی که با آن از نوع یا چگونگی با از نام و نشان موصوف می پرسند : چه ، کدام ،
چطور ، چگونه

ب-صفت پرسشی که با آن از ترتیب یا مقام موصوف پرسش کنند: چندم ، چندمین

ج- صفت پرسشی که با آن از مقدار و شماره موصوف پرسیده می شود: چند، چقدر ، چه مقدار
صفت تعجبی

صفت تعجبی، صفتی است که همراه اسم می آید و شگفتی و تعجب گوینده را از چگونگی یا
مقدار موصوف می رساند و خود با آهنگ مخصوص تعجب ادا می شود: چه خط زیبایی!
صفت مبهم

صفت مبهم، صفتی است که همراه اسم می آید و نوع یا چگونگی یا شماره و مقدار آن را به طور
نامعین و آمیخته با ابهام بیان می کند . صفت های مبهم عبارتند از :

« هر ، همه ، دیگر، هیچ ، چند ، چندین ، چندان ، بهمان ، فلان »

هر حرفی را نباید زد . همه دانشجویان آمدند .

به کتاب دیگر نیز مراجعه کن هیچ مطلبی پیدا نکردم .

صفت پسین

هر صفتی که پس از موصوف بیاید صفت پسین نامیده می شود، مانند: کار خوب- مهارت چندان

= کلاس پنجم

بیشتر صفت های بیانی به صورت صفت پسین به کار می روند

صفت پیشین

هر صفتی که پیش از موصوف بیاید صفت پیشین نامیده می شود . صفت های اشاره، پرسشی،

تعجبی، و مبهم جز در موارد نادر به صورت صفت پیشین به کار می روند :

آن کتاب کدام کتاب